

زنان و تحصیلات دانشگاهی

خدیجه سفیری *

چکیده

یکی از تغییرات اجتماعی معاصر، انقلاب آموزشی زنان و مشارکت گسترده آن‌ها در عرصه‌های مختلف جامعه است. در ایران، آمار پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها در سال‌های اخیر بیانگر رشد میزان قبول‌شدگان دختر در دانشگاه‌هاست.

در این تحقیق، به دلایل روی آوردن زنان به تحصیلات دانشگاهی و پیامدهای اجتماعی آن می‌پردازیم. فرضیه‌های تحقیق با استناد به نظریه بودون در مورد آثار متوجه در نظام‌های کنش متقابل مطرح شده‌اند و با استفاده از اطلاعاتی که به روش پیمایشی جمع‌آوری شدند آزمون شده‌اند. جمعیت آماری ۲۰۰۰ نفر از زنان ۱۸-۳۸ ساله چهار استان کشور است. پیامدهای اجتماعی از طریق متغیرهای (۱) بالا رفتن سن ازدواج (۲) کاهش باروری (۳) تربیت بهتر فرزندان (۴) مشارکت اجتماعی بیشتر (۵) نحوه همسرگزینی (۶) مشارکت در تصمیم‌گیری در خانواده مورد سنجش قرار گرفت. نتایج نشان داد: انتخاب دانشگاه با انگیزه اشتغال و کسب درآمد و بعد از آن انگیزه‌های دیگر انجام می‌شود. با بالا رفتن تحصیلات، سن ازدواج بالا می‌رود، میزان آزادی زنان در انتخاب همسر افزایش می‌یابد، تعداد فرزندان کاهش می‌یابد، الگوی تربیت فرزندان تغییر می‌کند. تحصیلات زنان با مشارکت بیشتر آنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده رابطه داشت. ولی تحصیلات دانشگاهی زنان با مشارکت اجتماعی آنان رابطه معنادار نداشت. به طور کلی در این تحقیق مشخص شد که اثرات تحصیلات دانشگاهی زنان در سطح خانوادگی مشهود است، اما در سطح اجتماعی مشهود نیست و این می‌تواند به دلیل ساختارهای اجتماعی موجود باشد.

کلیدواژه‌ها: زنان، تحصیلات دانشگاهی، ایران، پیامدهای اجتماعی، نظام کنش متقابل.

$Y \in \hat{A}, \text{GEY} \hat{A} \{Z \hat{E} \ddot{Y} Z \frac{1}{4} f m * Y \quad ^1 \hat{A} \quad \ddot{Y} \quad \hat{A}$

تاریخ پذیرش: ۸۵/۱۰/۱۱

تاریخ دریافت: ۸۵/۴/۴

مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۱۵، شماره ۵۶-۵۷

طرح مسئله

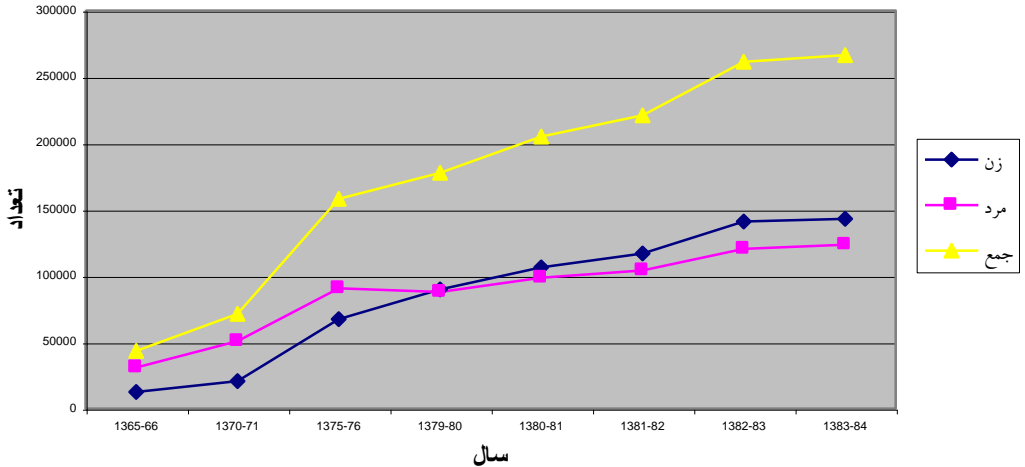
صاحب‌نظران دوران کنونی را عصر اطلاعات نام‌گذاری کرده‌اند و این امر گویای اهمیت به‌سزای دانش، اطلاعات و شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی در عصر جدید است. در این شرایط نه تنها توسعه اجتماعی و اقتصادی و سیاسی جوامع به توانایی و ظرفیت علمی و اطلاعاتی آن‌ها بستگی دارد، بلکه اساساً بقای آن‌ها در شبکه‌های اطلاعاتی منوط به همین امر است. بنابراین دانش در ظرفیت علمی افراد بیش از هر زمان حیاتی تلقی می‌شود. چنین جوامعی با تغییرات اجتماعی گسترده روبه‌رو بوده و هستند که یکی از آن‌ها انقلاب آموزشی زنان و مشارکت گسترده آن‌ها در عرصه‌های مختلف جامعه است. جامعه ایران نیز در دو دهه گذشته و خصوصاً پس از انقلاب اسلامی تحولات اجتماعی - فرهنگی و آموزشی خطیری را سپری نموده است. یکی از مهم‌ترین این تحولات، گسترش آموزش عالی در سطوح و مقاطع گوناگون است که با مشارکت گسترده زنان نیز همراه بوده است. نگاهی به آمار پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها در سال‌های مختلف نشان‌دهنده افزایش چشم‌گیر پذیرفته‌شدگان زن در سال‌های اخیر است. اطلاعات مرکز آمار ایران گویای آن است که در سال تحصیلی ۷۱-۷۰ تنها ۲۹ درصد پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی (به استثنای دانشگاه آزاد) را دختران تشکیل می‌دادند؛ حال آن‌که این رقم در سال ۸۱-۸۰ به ۵۱ درصد در سال ۸۲-۸۱ به ۵۳ درصد و در سال ۸۳-۸۴ به ۶/۵۳ رسیده است. نمودار ۱ مبین این رشد است.

علاوه بر افزایش پذیرفته‌شدگان دختر در سال‌های اخیر، بررسی گروه‌های سنی در سرشماری سال ۱۳۷۵ مرکز آمار ایران نشان‌دهنده آن است که در گروه‌های سنی که در سنوات اخیر به عنوان سنین داوطلب کنکور محسوب شده‌اند از لحاظ جنس هیچ تغییر و عدم تعادل قابل ملاحظه‌ای وجود نداشته است. بنابراین می‌بایست بررسی نمود که چرا با افزایش ورود دختران به دانشگاه روبه‌رو هستیم. همچنین این پدیده، یعنی افزایش سطح تحصیلات زنان دارای چه پیامدهای اجتماعی است. بنابراین مسئله این

مقاله، بررسی ورود دختران به دانشگاه به عنوان یک کنش اجتماعی و نیز بررسی پیامدهای اجتماعی (آثار منتهجه) حاصل از این امر است.

نمودار ۱. میزان قبولی مرد و زن در دانشگاه‌های کشوری طی سال‌های مختلف

قبول‌شدگان دانشگاه به تفکیک جنسیت و سال



منبع: شبکه اطلاع رسانی مرکز آمار ایران

پیشینه تحقیق

یکی از تحقیقاتی که به طور خاص به مشارکت زنان در آموزش عالی پرداخته است تحقیق صالحی (۲۰۰۱) با عنوان «مطالعه گسترش آموزش عالی در ایران با رجوع خاص به مشارکت زنان» است. در این تحقیق انقلاب اسلامی و فرایند تشکیل دولت - ملت به عنوان عوامل گسترش آموزش عالی در ایران و گسترش مشارکت زنان مطرح شده است.

کاری (۱۳۸۲) در تحقیق خود با عنوان «تأثیر تحصیلات و اشتغال در تأخیر سن ازدواج در تهران» تحصیلات را از عوامل تأخیر در سن ازدواج می‌داند و معتقد است تحصیلات از عوامل فرهنگی - اجتماعی تعیین کننده سن ازدواج است.

مهریار و آقاجانیان (۲۰۰۲) در تحقیقی با عنوان «تحصیلات و اشتغال زنان و کاهش باروری در ایران» تحصیلات را بهترین متغیر پیش‌بینی کننده و یا به عبارتی کاهش دهنده باروری می‌دانند که باعث تأخیر در تولد فرزند اول، افزایش تعداد خانواده‌های تک فرزندی، کاهش خانواده‌هایی که بیش از سه فرزند دارند و کاهش طول دوره باروری می‌شود.

یونسکو در کنفرانس سال ۱۹۹۵ با عنوان «تحصیلات زنان راهی به سوی توانایی»، دستاوردهای زنان را شامل این موارد می‌داند: گسترش خودباوری و اعتماد به نفس، کسب دانش بیشتر در مورد رفتار باروری، توانایی تصمیم‌گیری و چانه‌زنی، افزایش مهارت برای کسب درآمد، آگاهی از حقوق مدنی و مشارکت مؤثر.

کارشناسان دفتر برنامه‌ریزی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تقاضای گسترده زنان برای ورود به دانشگاه را نشانه رشد آگاهی و شناخت عمیق آن‌ها از توانایی‌ها و ظرفیت‌های اجتماعی‌شان و عزم جدی آن‌ها برای تعیین سرنوشت خود می‌دانند (دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی آموزشی، ۱۳۸۱).

ودادهیر (۱۳۸۲) افزایش قبولی دختران در کنکور را از تبعات یک جامعه مدرک‌گرا می‌داند و مطرح می‌کند راهیابی به دانشگاه برای زنان، ابزاری برای کسب منزلت و شأن اجتماعی و نیز دست‌یابی به موقعیت‌های جدید گشته است. همچنین وی گسترش مشارکت زنان در آموزش عالی را از تبعات توسعه جامعه و استحاله ارزش‌ها می‌داند.

برخی نیز معتقدند آنچه باعث افزایش قبولی دختران در کنکور شده است کاهش تمایل پسران برای ورود به دانشگاه است و عواملی همچون خدمت سربازی و تمایل به داشتن شغل پردرآمد را از عوامل کاهش تمایل پسران به تحصیلات عالی برشمردند (شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، ۱۳۸۲).

چهارچوب نظری

در این تحقیق برای بررسی عوامل روی آوردن زنان (به عنوان کنشگر) به تحصیلات دانشگاهی از نظریات کارکردی و کنش متقابل نمادین و اختیار عاقلانه و کنش موجه،

استفاده کردیم. زیرا پاسخ‌گویان برای این کار خود دلایلی را مد نظر دارند و برای پیامدهای این کنش از نظریه بدون در مورد آثار منتهجه استفاده کردیم.

نظریه کارکردی ساختی: از جمله نظریات مطرح در این دیدگاه می‌توان به نظریات پارسونز اشاره نمود. پارسونز در تئوری کنش، فرد را به عنوان کنشگر اجتماعی یا عنصری از یک کل به نام نظام اجتماعی در نظر می‌گیرد که در حال کنش و فعالیت است. فرد اگرچه در چارچوب نظام عمل می‌کند، اما عمل او جنبه ارادی و عقلانی دارد. کنشگر، دارای خلاقیت، اختیار و نیروی ارزش‌یابی است اما در تحلیل نهایی، فرد همواره راهی را دنبال می‌کند که منطبق با خواست نظام اجتماعی باشد. در واقع آزادی فرد تا حدی است که می‌تواند خود را با معیارها و قوانین اجتماعی، منطبق و طبق آن‌ها رفتار کند (توسلی، ۱۳۶۹: ۲۴۱).

نظریه کنش متقابل نمادین: بر مبنای این نظریه، افراد مسیر کنش خود را از خلال یک پوشش تعبیر با یکدیگر هماهنگ می‌کنند. این دیدگاه به فرایند معناسازی اهمیت زیادی می‌دهد. به اعتقاد بلومر افراد در هر یک از اعمال خود حرکات مختلفی برای خود طراحی می‌کنند، به آن‌ها معنا می‌بخشند، در مورد سودمندی آن قضاوت می‌کنند و به این معنا در مورد رفتار خود تصمیم‌گیری می‌کنند. البته این معناسازی در یک زمینه اجتماعی شکل می‌گیرد. بنا بر این کنش‌های افراد را باید بر حسب درکی که از موقعیت‌ها دارند و معانی که برای آن قائل‌اند تعیین نمود (همان).

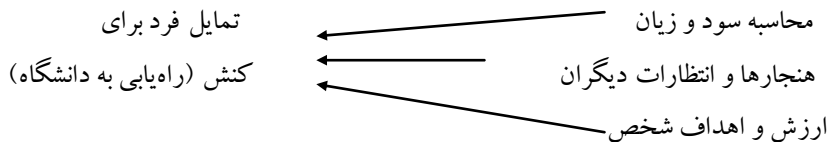
نظریه تفسیرگرایی: از نظر وبر، رفتاری که افراد برای آن معنای ذهنی قائلند و در جریان آن دیگران و رفتار آن‌ها را مد نظر دارند و از آن متأثر می‌شوند را می‌توان یک کنش اجتماعی خواند (روشه، ۱۳۷۰: ۲۱). این نظریه به دنبال شرح تفصیلی از هنجارها، ارزش‌ها، مبانی فرهنگی، باورها و آداب دینی برای تبیین رفتار آدمی است.

نظریه کنش موجه: این نظریه از سوی فیش‌باین و آیزن‌ارائه شده است. در این نظریه فرض اصلی بر این است که افراد در مورد رفتار خود فکر می‌کنند و برای حصول به پاره‌ای از نتایج و پرهیز از برخی دیگر دست به انتخاب منطقی می‌زنند؛ بنابراین قصد و

نیت فرد در تبیین رفتار نقش اساسی دارد. در تعیین قصد و نیت شخص نیز عناصر فردی و اجتماعی دخیل است. عنصر شخصی به گرایش فرد مربوط است که به نوبه خود تحت تأثیر دو عامل قرار می‌گیرد ۱- باور فرد نسبت به نتایج عمل خود ۲- ارزیابی او از نتایج حاصل از رفتار خود. عنصر اجتماعی به هنجار ذهنی مربوط است و منعکس کننده نفوذ و منشأ اجتماعی است (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۲۰).

نظریه اختیار عاقلانه: در این نظریه اعمال انسان‌ها مسبوق به دلیل و سنجش عاقلانه است. فرض بر این است که انسان‌ها در چند راهی‌ها، راهی را که با اغراض شان موافق است اختیار می‌کنند و برای رفتن به هر راهی محاسبه سود و زیان می‌کنند و پس از بررسی ادله مختلف راهی را بر می‌گزینند. این نظریه هدف عقلانی را بر مبنای مفید بودن، مطلوب بودن و اولویت داشتن تعریف می‌کند (لیتل، ۱۳۷۳: ۶۴).

با توجه به نظریات مطرح شده اگر راه یابی فرد را به دانشگاه به عنوان یک کنش اجتماعی در نظر بگیریم، می‌توان تمایل افراد به این کنش را با توجه به این نظریات به گونه ذیل نشان داد:



بنابراین چنانچه کنش زنان را برای ورود به دانشگاه بر حسب سود و زیان و به خصوص انتظارات دیگران مهم بدانیم، می‌توان گرایش آنان را بر اساس هدف‌های ارزشمند شخصی برآورد کرد.

نظریه بودون: در این جا لازم است به نظریه بودون نیز در مورد آثار نتیجه کنشگران یک نظام وابستگی متقابل (زنان) برای ورود به دانشگاه بپردازیم:

نظام‌های وابستگی متقابل اهمیت اساسی در تحلیل جامعه‌شناختی دارند؛ آن‌ها عموماً اثرات منتجه (یعنی اثراتی که در اهداف کارگزاران منظور نشده) هستند که به صورت‌های گوناگون ظاهر می‌شوند. شاید در رابطه با نظام‌های وابستگی متقابل است

که ژرفای شهادهای دورکیم معلوم می‌گردد. این نظام‌ها منحصرأ مقید به اراده کارگزارانی هستند که آن‌ها را بنا می‌نهند. با این وصف جریان امر به گونه‌ای است که گویی نتایج کنش‌ها از اختیار ایشان خارج است. تقسیم کار، هسته‌ای شدن خانواده و بی‌هنجاری محصول اراده هیچ‌کس نیست. این ساخت‌ها تقلیل‌پذیر به افرادی که آن‌ها را تشکیل می‌دهند، نیستند. نه فقط از آن لحاظ که کارگزاران درگیر در یک وضعیت وابستگی متقابل عموماً به طور مستقیم نهادهای عرصه‌ای این کنش‌های متقابل را انتخاب نکرده‌اند، بلکه هم‌چنین به دلیل این که مجموعه‌ی افرادی که یک کل را تشکیل می‌دهند با حاصل جمع اجزای آن مساوی نیست. اما از سوی دیگر ساخت‌ها نیز بدون افراد، چیزی نیستند (بودون، ۱۳۸۳: ۱۳۵).

ویلسون (۱۹۷۷) در تئوری خود در مورد فعالیت‌های داوطلبانه و مشارکت خودجوش در عرصه‌های مختلف بر سه عامل عمده تأکید می‌کند: سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی سرمایه فرهنگی. او سرمایه انسانی را منابع متعلق به شخص می‌داند که باعث فعالیت‌های گوناگون وی می‌شود و آن را شامل منابعی مانند تحصیلات، درآمد و سطح سلامت فرد می‌داند.

تحصیلات را می‌توان از عوامل تعیین‌کننده‌ی تمایل به ازدواج زنان دانست. امتناع زنان تحصیل‌کرده از ازدواج به این معناست که آن‌ها نقش سنتی زن را در ازدواج نمی‌پذیرند و خواهان تغییر در شرایط مبادله با همسر خود هستند (ساروخانی، ۱۳۷۸). برخی نیز همچون پاراشار (۲۰۰۵) معتقدند که زنان تحصیل‌کرده دارای نگرش‌های عقلانی و قدرت تصمیم‌گیری بیشتری هستند؛ توانایی و آگاهی درباره‌ی روش‌های جدید در تربیت فرزندان را دارند، آن‌ها هم‌چنین قادرند توانایی‌های خود را در این زمینه از روش‌های گوناگون افزایش دهند.

نتایج تحقیق مهریار و آقاجانیان (۲۰۰۲) در مورد تأثیر تحصیلات و اشتغال زنان بر کاهش باروری در ایران، نشان می‌دهد که تحصیلات بهترین متغیر پیش‌بین برای باروری است. تحصیلات باعث آگاهی زنان از جنبه‌های مختلف زندگی و توانایی

آن‌ها در استفاده از روش‌های پیش‌گیری است و این امر به نحو چشم‌گیری باروری را کاهش می‌دهد.

بنابراین در صورتی که بخواهیم بر طبق نظریات مطرح شده و همچنین نظریه بودون در مورد آثار منتهجه، ورود زنان به دانشگاه را بررسی کنیم، لازم است به بررسی نتایج کنش‌هایی از افراد که مورد نظر آن‌ها نبوده بپردازیم. در واقع آن چیزی که بودون تحلیل نظام وابستگی متقابل می‌داند به خروجی‌های این نظام اشاره دارد که می‌توان آنها را به شرح زیر مطرح کرد:

۱. مشارکت اجتماعی بیشتر زنان

۲. بالا رفتن سن ازدواج

۳. کاهش باروری

۴. تربیت بهتر فرزندان

۵. تغییر در نحوه همسرگزینی

۶. مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری در خانواده.

بر اساس بحث پیرامون پیامدهای اجتماعی یا خروجی‌های نظام وابستگی متقابل، توانمندی زنان را در نتیجه تحصیلات عالی، می‌توان در دو سطح فردی - خانوادگی و اجتماعی دسته‌بندی کرد.

سن ازدواج، کاهش باروری، الگوهای تربیت فرزندان، نگرش‌های عقلانی در اهداف زندگی، اظهارنظر و تصمیم‌گیری در حوزه خانواده را می‌توان در سطح فردی و خانوادگی قرار داد و در سطح اجتماعی نیز می‌توان به مشارکت اجتماعی، ارتباط با سازمان‌ها و مجامع مختلف، اشاره نمود.

در بخش علل تمایل زنان برای ورود به دانشگاه بر اساس مصاحبه‌های اولیه به اهداف زیر از نظر پاسخ‌گویان دست یافتیم:

۱. مشکلات اقتصادی و نیاز به اشتغال

۲. کسب درآمد

۳. تمایل به کسب منزلت اجتماعی و اثبات خود

۴. ارتقای آگاهی و توانمندی

۵. تمایل به کسب فرصت‌های اجتماعی و مشارکت اجتماعی بیشتر

۶. استقلال

۷. اهمیت زیادی که در جامعه ما به مدرک دانشگاهی می‌دهند.

۸. فشار خانواده‌ها برای کسب مدرک دانشگاهی

۹. خروج از پوسته سنتی و حضور مؤثر در جامعه

۱۰. کسب موقعیت‌های بهتر زندگی و ازدواج.

فرضیه‌های تحقیق در بخش پیامدها:

۱. تحصیلات عالی زنان با تأخیر در سن ازدواج رابطه دارد.

۲. تحصیلات عالی زنان با تغییر در نحوه همسرگزینی رابطه دارد.

۳. تحصیلات عالی زنان با کاهش باروری آنان رابطه معنادار دارد.

۴. تحصیلات عالی زنان با تغییر الگوهای تربیت فرزندان رابطه دارد.

۵. تحصیلات عالی زنان با مشارکت آن‌ها در فرایند تصمیم‌گیری در خانواده رابطه

دارد.

۶. تحصیلات عالی زنان با مشارکت اجتماعی بیشتر آن‌ها رابطه دارد.

بنابراین، متغیر مستقل عبارت است از تحصیلات دانشگاهی، که برای سنجش آن

افراد دارای دیپلم و پائین‌تر با گروه دارای تحصیلات دانشگاهی مقایسه می‌شوند.

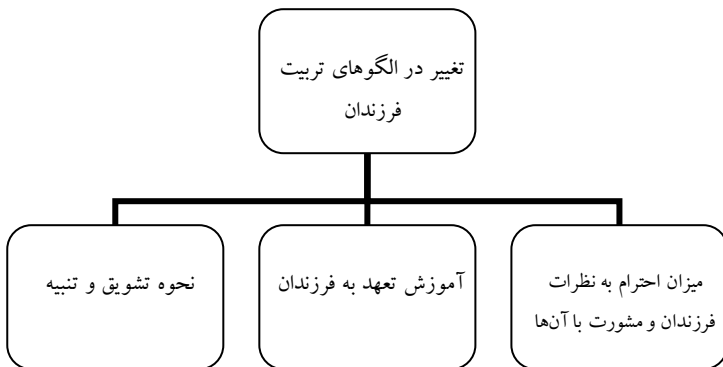
هم‌چنین متغیرهای وابسته عبارت‌اند از:

۱. سن ازدواج

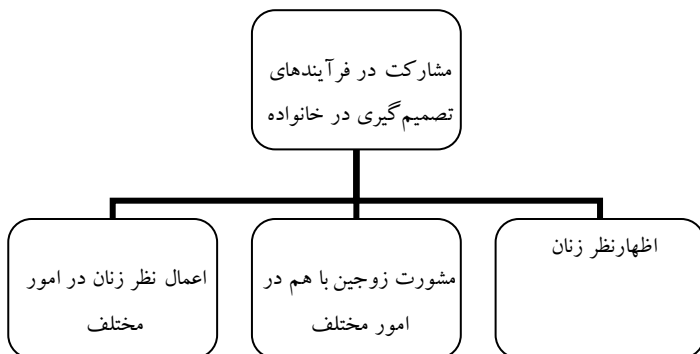
۲. نحوه همسرگزینی _____ میزان آزاد بودن در انتخاب همسر

۳. میزان باروری _____ تعداد فرزند

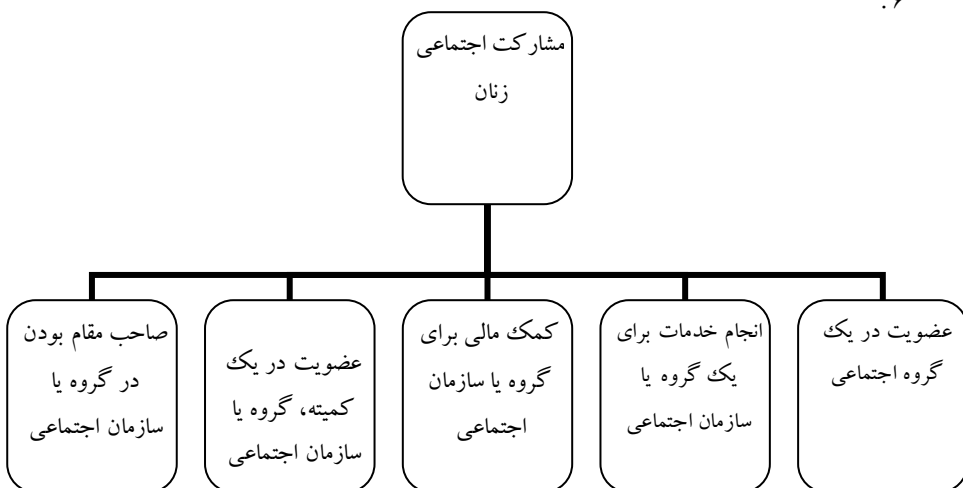
۴.



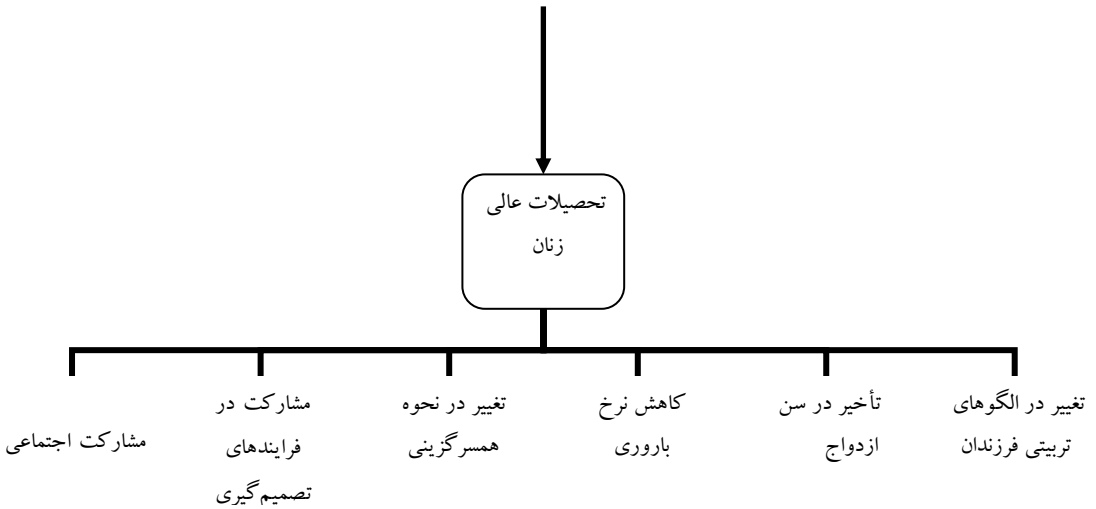
۵.



۶.



مدل پیامدهای اجتماعی تحصیلات دانشگاهی زنان



روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش پیمایشی بوده و با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه صورت گرفته است.

جمعیت آماری: جمعیت آماری شامل تمامی زنان ۱۸-۳۸ ساله دیپلم و پائین‌تر و نیز دارای تحصیلات دانشگاهی بوده است. حجم نمونه ۲۰۰۰ نفر از پنج استان منتخب بوده است.

شیوه نمونه‌گیری: از روش طبقه‌ای استفاده شده است که معیار طبقه‌بندی نیز سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی استان‌ها، وضعیت تأهل، شغل، داشتن فرزند و سطح تحصیلات بوده است.

استان‌های نمونه: تهران (کاملاً توسعه‌یافته، ۷۷۰ نفر)، اصفهان (توسعه‌یافته، ۴۲۰ نفر)، چهارمحال و بختیاری (توسعه‌نیافته، ۲۷۰ نفر)، سمنان (کاملاً توسعه‌یافته، ۲۴۰ نفر)، سیستان و بلوچستان (کاملاً توسعه‌نیافته، ۳۰۰ نفر) بوده است.

واحد تحلیل: زنان ۱۸ تا ۳۸ ساله دیپلمه و پایین تر و هم چنین زنان دارای تحصیلات دانشگاهی اعم از متأهل، مجرد، متأهل با فرزند یا بدون فرزند، مطلقه و بیوه، شاغل و غیر شاغل).

اعتبار و پایایی: میزان پایایی متغیرهای اصلی در جدول زیر نشان داده شده است. اعتبار یا قابلیت اعتماد متغیرها بر اساس اعتبار صوری و محتوایی است.

جدول شماره ۱. میزان پایایی

| ضرب آلفای کرباخ | متغیرها و مؤلفه‌ها |
|-----------------|---|
| ۰/۶۶۵ | مشارکت اجتماعی |
| ۰/۸۷۹ | مشارکت در تصمیم‌گیری به‌طور کلی شامل سه مؤلفه |
| ۰/۷۸۳ | الگوی تربیت فرزندان به‌طور کلی شامل سه مؤلفه |

تحلیل داده‌ها

در ابتدای تحقیق با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق تعداد ۳۰ نفر از دانشجویان رشته‌های گوناگون، از دانشگاه‌های مختلف جهت مصاحبه در نظر گرفته شدند و از ایشان راجع به تمایل دختران به تحصیلات دانشگاهی سؤال شد، هدف این بود تا مشخص شود دختران با چه هدف‌هایی به دانشگاه می‌آیند (تئوری سود و زیان، برآوردن انتظارات دیگران و هدف و ارزش‌های فردی، بر اساس تئوری‌های کنش ارادی و هدفمند). در مجموع مهم‌ترین اهداف تحصیلات دانشگاهی از نظر زنان به شرح ذیل بوده است:

مشکلات اقتصادی و نیاز به اشتغال، کسب درآمد، تمایل به کسب منزلت اجتماعی و اثبات خود، ارتقای سطح آگاهی و توانمندی، تمایل به کسب فرصت‌های اجتماعی و مشارکت اجتماعی بیشتر، استقلال، اهمیت زیادی که در جامعه ما به مدرک دانشگاهی می‌دهند، فشار خانواده‌ها برای کسب مدرک دانشگاهی، خروج از پسته سنتی و حضور مؤثر در جامعه، کسب موقعیت‌های بهتر زندگی و ازدواج. پنج مورد از موارد بالا که افراد بر آن بیشترین تأکید را داشتند، انتخاب شده و سنجش در میان جامعه آماری (۲۰۰۰ نفر) انجام شد که متغیرها و نتایج به این شرح است:

۱) امکان دسترسی به اشتغال (۲) کسب منزلت اجتماعی بالاتر (۳) تصمیم‌گیری‌های بهتر
 ۴) فرصت حضور اجتماعی بیشتر (۵) کسب درآمد.

پس از سنجش هدف‌های فوق با فرض این که تحصیلات متغیر وابسته و مؤلفه‌های فوق متغیرهای مستقل هستند، و به دلیل این که تحصیلات با دو صورت (تحصیلات دانشگاهی دارد و ندارد) بررسی شده، لذا از رگرسیون لجستیک استفاده شده و یافته‌ها به شرح زیر است:

جدول شماره ۲. ورود متغیرهای مستقل به معادله رگرسیون لجستیک

| متغیرها | B | S.E. | Wald | df | Sig | Exp(B) |
|------------|--------|-------|-------|----|-------|--------|
| منزلت | ۰/۱۳۷ | ۰/۱۶۱ | ۰/۷۳۲ | ۱ | ۰/۰۳۰ | ۰/۸۷۲ |
| اشتغال | ۰/۳۹۵ | ۰/۱۸۷ | ۴/۴۷۱ | ۱ | ۰/۰۳۰ | ۱/۴۸۵ |
| تصمیم‌گیری | ۰/۱۴۴ | ۰/۰۸۸ | ۲/۶۵۲ | ۱ | ۰/۰۱۰ | ۱/۱۵۵ |
| فرصت حضور | ۰/۱۹۹ | ۰/۱۶۵ | ۱/۴۴۱ | ۱ | ۰/۰۲۰ | ۱/۲۲۰ |
| درآمد | ۰/۳۰۷ | ۰/۴۱۲ | ۰/۵۵۵ | ۱ | ۰/۰۴۰ | ۱/۳۵۹ |
| عدد ثابت | -۳/۱۱۶ | ۳/۸۵۷ | ۰/۶۵۳ | ۱ | ۰/۴۱۹ | ۰/۰۴۴ |

بر اساس جدول فوق، متغیرهای منزلت اجتماعی، اشتغال، تصمیم‌گیری، فرصت حضور و درآمد، متغیرهای مستقل، و ورود به دانشگاه متغیر وابسته بوده است. جدول نشان می‌دهد همه متغیرها معنادار بوده‌اند و بیشترین انگیزه دختران برای تحصیلات دانشگاهی، اشتغال و سپس درآمد و با تأثیر کمتر، فرصت حضور و تصمیم‌گیری و منزلت اجتماعی است.

یافته‌های تحقیق در بخش پیامدها

فرضیه اول: تحصیلات عالی زنان با تأخیر در سن ازدواج رابطه دارد.
 در این فرضیه سن ازدواج با تحصیلات در رابطه گذاشته شد. رابطه معنادار نشان می‌دهد که با تحصیلات بالا سن ازدواج به تأخیر می‌افتد. میانگین سن ازدواج از نظر افراد دارای تحصیلات دانشگاهی ۲ سال بیشتر از افراد بدون تحصیلات دانشگاهی است.

فرضیه دوم: تحصیلات عالی زنان با تغییر در نحوه همسرگزینی رابطه دارد. در این فرضیه میزان آزادی افراد در انتخاب همسر با تحصیلات در رابطه گذاشته شد. نتایج آزمون فرضیه فوق در مورد آزادی در همسرگزینی، نشان می‌دهد که بین میزان آزادی زنان در انتخاب همسر و میزان تحصیلات آنان رابطه وجود دارد و این رابطه مثبت است. یعنی با افزایش تحصیلات زنان میزان آزادی آن‌ها در انتخاب همسر بالا می‌رود.

فرضیه سوم: تحصیلات عالی زنان با کاهش باروری آن‌ها رابطه دارد. این فرضیه از طریق شاخص تعداد فرزند آزمون شده است، نتایج به گونه ذیل است. جدول شماره ۵. آزمون معناداری بین تحصیلات و تعداد فرزندان

| کل | ۴الی ۵ فرزند | ۳ فرزند | ۲ فرزند | ۱ فرزند | تعداد فرزند تحصیلات |
|---|-----------------|------------|-------------|-------------|------------------------|
| ۳۱۳ ۱۰۰ | ۱۶ ۱/۵ | ۴۶ ۷/۱۴ | ۱۱۷ ۴/۳۷ | ۱۳۴ ۸/۴۲ | دیپلم و زیر دیپلم |
| ۱۰۷ ۱۰۰ | ۱ ۹/۰ | ۱۴ ۱/۱۳ | ۴۱ ۳/۳۸ | ۵۱ ۷/۴۷ | فوق دیپلم |
| ۱۷۹ ۱۰۰ | ۲ ۱/۱ | ۱۸ ۱/۱۰ | ۷۶ ۵/۴۲ | ۸۳ ۴/۴۶ | لیسانس |
| ۱۴ ۱۰۰ | ۱ ۱/۷ | ۱ ۱/۷ | ۸ ۱/۵۷ | ۴ ۶/۲۸ | تحصیلات تکمیلی |
| ۶۱۳ ۱۰۰ | ۲۰ ۲/۳ | ۷۹ ۱۲/۹ | ۲۴۲ ۳۹/۵ | ۲۷۲ ۴۴/۴ | کل |
| Pearson chi square = 14/301 df=12 sig = 0/146 | | | | | |

با توجه به نتایجی که جدول فراوانی نشان می‌دهد اکثر زنان، دارای ۱ تا ۲ فرزند بیشتر نیستند. بنابراین به نظر می‌رسد کنترل موالید در جامعه ما تا حد زیادی برای زنان جوان مهم است و این امر تفاوتی را بین زنان دارای تحصیلات عالی و آن‌ها که

تحصیلات عالی ندارند نشان نمی‌دهد. آزمون انجام شده نیز رابطه معناداری را نشان نمی‌دهد.

فرضیه چهارم: تحصیلات عالی زنان با تغییر در الگوی تربیت فرزندان رابطه دارد.

این فرضیه توسط شاخص‌هایی از قبیل میزان احترام به نظریات فرزندان و مشورت با آن‌ها، آموزش تعهد به فرزندان و نحوه تشویق و تنبیه مورد آزمون قرار گرفت که نتایج به گونه ذیل بوده است.

الف) آموزش تعهد به فرزندان

جدول شماره ۶ نشان می‌دهد بین دو گروه مورد بررسی تفاوتی وجود ندارد.

جدول شماره ۶. آزمون معناداری بین تحصیلات و آموزش تعهد به فرزندان

| کل | زیاد | متوسط | کم | آموزش تحصیلات |
|--|------|-------|-----|-------------------|
| ۸۵۸ | ۷۵۶ | ۹۷ | ۵ | دیپلم و زیر دیپلم |
| ۱۰۰ | ۱/۸۸ | ۳/۱۱ | ۶/۰ | |
| ۲۷۷ | ۲۴۴ | ۳۲ | ۱ | فوق دیپلم |
| ۱۰۰ | ۱/۸۸ | ۶/۱۱ | ۴/۰ | |
| ۵۸۷ | ۵۲۶ | ۶۰ | ۱ | لیسانس |
| ۱۰۰ | ۶/۸۹ | ۲/۱۰ | ۲/۰ | |
| ۵۹ | ۵۵ | ۴ | ۰ | تحصیلات تکمیلی |
| ۱۰۰ | ۲/۹۳ | ۸/۶ | ۰ | |
| ۱۷۸۱ | ۱۵۸۱ | ۱۹۳ | ۷ | کل |
| ۱۰۰ | ۸/۸۸ | ۸/۱۰ | ۴/۰ | |
| Pearson chi square=3/406 Df = 6 Sig = 0/7 | | | | |

ب) شاخص تنبیه و تشویق

در فرضیه رابطه بین الگوی تربیتی و تحصیلات با شاخص تنبیه و تشویق را مورد سنجش قرار دادیم. آزمون انجام شده نشان داد زنان تحصیل کرده بیش از زنان دیگر از ساز و کار تشویق در تربیت فرزندان استفاده می کنند.

جدول شماره ۷. آزمون معناداری بین تحصیلات و اعتقاد به تنبیه

| کل | اعتقاد دارم | اعتقاد ندارم | اعتقاد تحصیلات |
|---|-------------|--------------|-------------------|
| ۸۵۸ | ۲۸ | ۸۳۰ | دیپلم |
| ۱۰۰ | ۳/۳ | ۷/۹۶ | |
| ۲۷۷ | ۱۰ | ۲۶۷ | فوق دیپلم |
| ۱۰۰ | ۶/۳ | ۴/۹۶ | |
| ۵۸۷ | ۹ | ۵۷۸ | لیسانس |
| ۱۰۰ | ۵/۱ | ۵/۹۸ | |
| ۵۹ | ۱ | ۵۸ | تحصیلات تکمیلی |
| ۱۰۰ | ۷/۱ | ۳/۹۸ | |
| ۱۷۸۱ | ۴۸ | ۱۷۳۳ | کل |
| ۱۰۰ | ۷/۲ | ۳/۹۷ | |
| Pearson chi square = 35/188 Df = 3 Sig = 0/04 | | | |

ج) میزان احترام و مشورت با فرزندان

سومین مؤلفه تربیت، احترام به فرزندان و مشورت با آنان بود. آزمون انجام شده نشان داد، زنان با تحصیلات دانشگاهی بیشتر از زنان بدون تحصیلات دانشگاهی با فرزندان خود مشورت می کنند و به آنان احترام می گذارند.

جداول شماره ۶ تا ۸ نشان دهنده آن است که در سه مؤلفه تربیت فرزندان (آموزش تعهد، تنبیه و تشویق و احترام و مشورت با آنان)، بین تحصیلات زنان و مؤلفه آموزشی تعهد در تربیت فرزندان رابطه معنادار وجود ندارد، یعنی با تحصیلات عالی تفاوتی در این مؤلفه به وجود نمی آید. ولی در تشویق و تنبیه و احترام و مشورت رابطه معنادار

بود؛ یعنی زنان با تحصیلات بالا در تربیت فرزند، بیشتر از ساز و کارهای تشویقی استفاده می کنند. هم چنین آنها بیشتر از زنان بدون تحصیلات عالی با فرزندان مشورت می کنند و به آنان احترام می گذارند.

جدول شماره ۸. رابطه بین تحصیلات و مشورت و احترام به فرزندان

| مشورت و تحصیلات | کم | متوسط | زیاد | کل |
|-----------------|-----|-------|------|------|
| دیپلم و زیر | ۱۴ | ۱۱۹ | ۷۲۵ | ۸۵۸ |
| دیپلم | ۶/۱ | ۹/۱۳ | ۵/۸۴ | ۱۰۰ |
| فوق دیپلم | ۶ | ۴۰ | ۲۳۱ | ۲۷۷ |
| | ۲/۲ | ۴/۱۴ | ۴/۸۳ | ۱۰۰ |
| لیسانس | ۸ | ۵۷ | ۵۲۲ | ۵۸۷ |
| | ۴/۱ | ۷/۹ | ۹/۸۸ | ۱۰۰ |
| تحصیلات تکمیلی | ۰ | ۶ | ۵۳ | ۵۹ |
| | ۰ | ۲/۱۰ | ۸/۸۹ | ۱۰۰ |
| کل | ۲۸ | ۲۲۲ | ۱۵۳۱ | ۱۷۸۱ |
| | ۶/۱ | ۵/۱۲ | ۸۶ | ۱۰۰ |

. H Q G D O ¶ V W X Pearson chi square=38/909
Df = 6 Sig = 0/01

فرضیه پنجم: تحصیلات عالی زنان با مشارکت آنها در فرایند تصمیم گیری در خانواده رابطه دارد.

این فرضیه توسط سه شاخص اظهار نظر زنان، مشورت زوجین با هم در امور مختلف و اعمال نظر زنان در امور مختلف، مورد سنجش قرار گرفته است که نتایج به گونه ذیل بود:

در هر سه مؤلفه فوق (اعمال نظر، مشورت زوجین و اظهار نظر) جداول و آزمون‌ها به طور جداگانه رابطه معناداری را نشان دادند. هم چنین با ترکیب این سه، رابطه معناداری مجدداً در جداول زیر نشان داده شده است:

جدول شماره ۹. آزمون معناداری بین تحصیلات و مشارکت در تصمیم‌گیری

| کل | زیاد | متوسط | کم | تصمیم‌گیری تحصیلات |
|--|------|-------|-----|-----------------------|
| ۸۵۸ | ۷۱۲ | ۱۴۰ | ۶ | دیپلم |
| ۱۰۰ | ۸۳ | ۳/۱۶ | ۷/۰ | |
| ۲۷۷ | ۲۴۹ | ۲۵ | ۳ | فوق دیپلم |
| ۱۰۰ | ۹/۸۹ | ۹ | ۱/۱ | |
| ۵۸۷ | ۵۲۲ | ۶۳ | ۲ | لیسانس |
| ۱۰۰ | ۹/۸۸ | ۷/۱۰ | ۳/۰ | |
| ۵۰ | ۴۹ | ۸ | ۲ | تحصیلات تکمیلی |
| ۱۰۰ | ۱/۸۳ | ۶/۱۳ | ۴/۳ | |
| ۱۷۸۱ | ۱۵۳۲ | ۲۳۶ | ۱۳ | کل |
| ۱۰۰ | ۸۶ | ۳/۱۳ | ۷/۰ | |
| . H Q G D O ¶ V W X Pearson chi square= 28 /094 Df = 6 Sig: 0/001 | | | | |

در این فرضیه وجود رابطه معنادار بین تحصیلات عالی و مشارکت بیشتر در فرایندهای تصمیم‌گیری در خانواده تأیید شد. یعنی زنان با تحصیلات عالی بیش از زنان دیگر در امور مربوط به خانواده اظهار نظر و اعمال نظر و مشورت با همسر دارند. فرضیه ششم: تحصیلات عالی زنان با مشارکت اجتماعی آن‌ها رابطه دارد. این فرضیه از طریق عضویت در گروه‌های اجتماعی، انجام خدمات و میزان فعالیت افراد در سازمان‌های غیردولتی (NGO)، کمک‌های مالی و صاحب مقام بودن مورد آزمون قرار گرفت که نتایج به گونه ذیل بوده است. با توجه جداول شماره ۱۰ معلوم می‌شود که بین تحصیلات و میزان مشارکت اجتماعی زنان رابطه‌ای وجود ندارد و با توجه به این که ۹۹٪ از افراد جامعه آماری میزان مشارکت خود را پایین (کم) ارزیابی کرده‌اند، جز عدم رابطه انتظار دیگری نمی‌توان داشت.

با این که به نظر می‌رسید با وجود تحصیلات عالی و حضور اجتماعی بیشتر زنان، مشارکت در نهادهای مدنی بیشتر باشد، ولی نتیجه تحقیق این را نشان نداد. یعنی اثرات تحصیلات عالی زنان هنوز در حوزه‌های اجتماعی نمودی پیدا نکرده است.

در این قسمت به مقایسه استان‌های مورد بررسی در مورد فرضیات می‌پردازیم. در مورد کاهش باروری تفاوت میان استان‌ها معنادار بود. در استان سیستان این تفاوت با دیگر استان‌ها مشهودتر بود؛ یعنی تعداد فرزندان آن‌ها بیشتر از دیگر استان‌ها است.

جدول شماره ۱۰. آزمون معناداری بین تحصیلات و میزان مشارکت اجتماعی زنان

| مشارکت تحصیلات | کم | متوسط | زیاد | کل |
|-------------------|------|-------|------|------|
| دیپلم و زیر دیپلم | ۷۹۸ | ۳ | ۰ | ۸۰۱ |
| | ۶/۹۹ | ۴/۰ | ۰ | ۱۰۰ |
| فوق دیپلم | ۲۶۰ | ۱ | ۰ | ۲۶۱ |
| | ۶/۹۹ | ۴/۰ | ۰ | ۱۰۰ |
| لیسانس | ۵۵۸ | ۰ | ۰ | ۵۵۸ |
| | ۱۰۰ | ۰ | ۰ | ۱۰۰ |
| تحصیلات تکمیلی | ۵۶ | ۰ | ۱ | ۵۷ |
| | ۲/۹۸ | ۰ | ۸/۱ | ۱۰۰ |
| کل | ۱۶۷۲ | ۴ | ۱ | ۱۶۷۷ |
| | ۷/۹۹ | ۲/۰ | ۱/۰ | ۱۰۰ |

. H Q G D O ¶ V O / V X D Pearson chi square = 13/756
Df = 6 Sig = 0/8

جدول شماره ۱۱. استان‌ها و تفاوت در تعداد فرزند

| استان‌ها | میانگین | تعداد | انحراف معیار |
|----------|---------|-------|--------------|
| تهران | ۱/۶۲ | ۲۰۴ | ۰/۶۵۸ |
| سیستان | ۲/۰۶ | ۱۰۳ | ۱/۰۴ |
| اصفهان | ۱/۷۶ | ۱۳۵ | ۰/۷۶۷ |
| چهارمحال | ۱/۷۳ | ۹۸ | ۰/۸۳۲ |
| سمنان | ۱/۷۰ | ۸۱ | ۰/۷۶۶ |
| کل | ۱/۷۵ | ۶۲۱ | ۰/۸۰۹ |

تحلیل واریانس (Anova)

| تعداد فرزندان | Sum of Squares | df | Mean Square | F | Sig. |
|----------------|----------------|-----|-------------|-------|-------|
| Between Groups | ۱۳/۲۹۹ | ۴ | ۳/۳۲۵ | ۵/۲۱۸ | ۰/۰۰۰ |
| Within Groups | ۳۹۲/۵۱۱ | ۶۱۶ | ۰/۶۳۷ | | |
| Total | ۴۰۵/۸۱۰ | ۶۲۰ | | | |

هم چنین در مورد نحوه تربیت فرزند بین استان‌ها تفاوت وجود داشت. جداول نشان می‌دهد در استان‌های مختلف فقط در مؤلفه آموزش تعهد بین استان چهارمحال با بقیه استان‌ها تفاوت وجود دارد (یعنی در این استان آموزش تعهد کمتر صورت می‌گیرد).

جدول شماره ۱۲. استان‌ها و تفاوت در آموزش تعهد به فرزندان

| انحراف معیار | تعداد | میانگین | استان‌ها |
|--------------|-------|---------|----------|
| ۱/۸۲۸۴۵ | ۸۸ | ۱۸/۲۱۷۳ | تهران |
| ۲/۱۹۲۴۱ | ۵۴ | ۱۸/۳۹۱۲ | سیستان |
| ۱/۹۸۸۲۵ | ۶۵ | ۱۸/۱۲۵۰ | اصفهان |
| ۱/۷۵۹۶۵ | ۵۶ | ۱۷/۵۲۳۲ | چهارمحال |
| ۱/۷۶۲۳۰ | ۴۲ | ۱۸/۶۶۶۷ | سمنان |
| ۱/۹۳۰۵۳ | ۳۰۵ | ۱۸/۱۶۲۸ | کل |

تحلیل واریانس (Anova)

| آموزش تعهد | Sum of Squares | df | Mean Square | F | Sig. |
|----------------|----------------|-----|-------------|-------|-------|
| Between Groups | ۳۶/۷۴۵ | ۴ | ۹/۱۸۶ | ۲/۵۱۴ | ۰/۰۴۲ |
| Within Groups | ۱۰۹۶/۲۴۵ | ۳۰۰ | ۳/۶۵۴ | | |
| Total | ۱۱۳۲/۹۹۱ | ۳۰۴ | | | |

جدول شماره ۱۳. استان‌ها و تفاوت در مؤلفه اظهارنظر زنان

| استان‌ها | میانگین | تعداد | انحراف معیار |
|----------|---------|-------|--------------|
| تهران | ۱۶/۴۶۱۹ | ۱۵۹ | ۲/۷۹۹۶۲ |
| سیستان | ۱۶/۴۱۲۴ | ۹۷ | ۲/۳۴۴۱۱ |
| اصفهان | ۱۵/۷۳۲۳ | ۱۲۷ | ۳/۳۹۳۳۸ |
| چهارمحال | ۱۵/۵۳۱۹ | ۹۴ | ۲/۶۸۶۸۹ |
| سمنان | ۱۶/۷۷۴۸ | ۷۶ | ۲/۵۲۸۲۰ |
| کل | ۱۶/۲۲۲۳ | ۵۵۳ | ۲/۸۵۴۴۳ |

تحلیل واریانس (Anova)

| اظهار نظر | Sum of Squares | df | Mean Square | F | Sig. |
|----------------|----------------|-----|-------------|-------|-------|
| Between group: | ۱۲۹/۹۹۳ | ۴ | ۳۲/۴۹۸ | ۴/۰۷۸ | ۰/۰۰۳ |
| Within groups | ۴۳۶۷/۵۷۶ | ۵۴۸ | ۷/۹۷۰ | | |
| Total | ۴۴۹۷/۵۶۸ | ۵۵۲ | | | |

رابطه بین تحصیلات عالی زنان و روند تصمیم‌گیری در خانواده، در استان‌های مورد بررسی متفاوت بود. بین استان چهارمحال با سمنان و تهران، در سه مؤلفه مشارکت در تصمیم‌گیری، اظهارنظر و اعمال نظر زنان تفاوت وجود داشت و در مؤلفه مشورت زوجین تفاوتی نبود.

جدول شماره ۱۴. استان‌ها و تفاوت در مؤلفه اعمال نظر زنان

| استان‌ها | میانگین | تعداد | انحراف معیار |
|----------|---------|-------|--------------|
| تهران | ۲۰/۶۳۴۷ | ۱۵۹ | ۳/۲۰۶۹۶ |
| سیستان | ۲۰/۳۹۱۸ | ۹۷ | ۲/۸۴۸۸۲ |
| اصفهان | ۱۹/۷۰۰۸ | ۱۲۷ | ۴/۰۱۶۴۶ |
| چهارمحال | ۱۹/۲۶۶۰ | ۹۴ | ۳/۲۷۳۱۴ |
| سمنان | ۲۰/۷۹۹۳ | ۷۶ | ۲/۹۲۸۹۴ |
| کل | ۲۰/۱۶۷۶ | ۵۵۳ | ۳/۳۶۵۰۱ |

نتایج تحلیل واریانس (Anova)

| اعمال نظر | Sum of Squares | df | Mean Square | F | Sig. |
|----------------|----------------|-----|-------------|-------|-------|
| Between Groups | ۱۷۳/۹۸۲ | ۴ | ۴۳/۴۹۶ | ۳/۹۲۳ | ۰/۰۰۴ |
| Within Groups | ۶۰۷۶/۴۵۷ | ۵۴۸ | ۱۱/۰۸۸ | | |
| Total | ۶۲۵۰/۴۳۹ | ۵۵۲ | | | |

در بقیه فرضیات هم بین استان‌ها تفاوتی وجود نداشت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

افزایش قبولی دختران در دانشگاه‌ها، یکی از مسائل بسیار مهمی است که اخیراً باعث جلب توجه و دغدغه خاطر مسئولان مختلف نظام شده است. به همین خاطر بررسی علل تمایل دختران برای ورود به دانشگاه و پیامدهای اجتماعی آن موضوع این تحقیق قرار گرفت. هدف در دو بخش تنظیم شد: الف - علل انتخاب دانشگاه توسط زنان به عنوان کنشگر، (با استناد به نظریه‌های کارکردی و کنش موجه و اختیار عاقلانه) که نشان می‌داد زنان با آگاهی از سود و هزینه تحصیل، خواستار شغل، درآمد، منزلت اجتماعی، فرصت حضور و... هستند. ب- بررسی پیامدهای ورود زنان به دانشگاه‌ها، (با تکیه بر نظریه بودون در مورد آثار منتهجه در نظام‌های وابستگی متقابل).

در این تحقیق جهت سنجش متغیرها از روش پیمایش استفاده کردیم. جمعیت تحقیق ۲۰۰۰ نفر و در ۵ استان کشور بر اساس میزان توسعه‌یافتگی استان‌ها انتخاب شدند. مهم‌ترین یافته‌های این بخش به شرح زیر است:

در بخش علل انتخاب بر اساس رگرسیون لجستیک، ضرایب به دست آمده نشان داد، بیش از همه متغیرها، اشتغال و درآمد هدف زنان از کسب تحصیلات عالی بوده و با ضریب کمتری فرصت حضور و تصمیم‌گیری و منزلت، هدف ادامه تحصیل زنان در دانشگاه است.

در بخش پیامدها نتایج زیر حاصل شد:

۱. با افزایش تحصیلات زنان، سن ازدواج آن‌ها به تأخیر می‌افتد. این مسئله می‌تواند از یک نظر، فرصت تلقی شود؛ به دلیل آن که تأخیر در ازدواج، طول دوران آمادگی برای باروری را کوتاه نموده و کاهش رشد جمعیت از آثار مثبت آن است. از سوی دیگر شاید دارای آثار سوء هم باشد که باید به آن توجه کرد و نیاز به اتخاذ تدابیر و راهکارهای مناسب احساس می‌شود.

۲. نحوه همسرگزینی زنان با تحصیلات آن‌ها رابطه دارد. بدین معنی که شیوه انتخاب با افزایش سطح تحصیلات از شیوه «دخالت والدین و اطرافیان»، یا به اصطلاح تنظیم شده به انتخاب آزاد (یا مستقل) تبدیل می‌شود و این می‌تواند از پیامدهای حضور دختران در دانشگاه‌ها باشد.

۳. با افزایش تحصیلات زنان، باروری (تعداد فرزندان) آن‌ها کاهش می‌یابد. مسئله کاهش نرخ باروری از جمله مسائل بسیار مهم در کشورهای در حال توسعه است، هر چند در این تحقیق رابطه بین تحصیلات عالی زنان و کاهش باروری معنادار نشد، ولی معنی آن این است که کاهش باروری برای همه زنان اعم از تحصیل کرده و غیر آن، مهم تلقی شده است، همان‌طور که آمارها کاهش رشد جمعیت را نشان می‌دهد.

۴. براساس داده‌های موجود رابطه معنی‌داری بین میزان تحصیلات زنان و الگوی تربیتی فرزندان (شامل اعتقاد به تشویق فرزندان و احترام به فرزندان و مشورت با آنان) مشاهده شد. هر چند در مورد آموزش تعهد رابطه معنادار نبود، این به این معنا است که تفاوتی بین این دو گروه زنان در این مؤلفه وجود ندارد. اما آنان به لحاظ داشتن تحصیلات عالی و آشنا شدن با شیوه‌های تربیتی و اهمیت دادن به تشویق و احترام و مشورت با فرزندان متفاوت با دیگر زنان عمل می‌کنند.

۵. تحصیلات عالی زنان به شدت با میزان مشارکت آن‌ها در فرآیند تصمیم‌گیری در خانواده ارتباط دارد. ابعاد این مشارکت عبارتند از: اظهارنظر زنان، مشورت زوجین با هم در امور مختلف و اعمال نظر زنان در امور مختلف. تصمیم‌گیری در مسائل گوناگونی مانند خرید خانه یا اتومبیل، خرید وسایل، رفت و آمدهای فامیلی، مسافرت، مشورت زوجین در امور مربوط به فرزندان و مسائل دیگر جنبه‌های بسیار

مهمی در زندگی هستند. تأیید شدن رابطه بین تحصیلات و این مشارکت می‌تواند یک فرصت قلمداد شده و جنبه مثبتی از تحصیلات عالی زنان باشد.

۶. یکی از مسائل اساسی در جامعه افزایش میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی است. هم‌چنین آنان با افزایش تحصیلات‌شان گرایش به ارتباط با شبکه‌های اجتماعی را پیدا می‌کنند؛ ارتباط با دیگران در شبکه‌های اجتماعی یکی از مواردی است که می‌تواند بخشی از زندگی اجتماعی فرد را پر کند. تمایل به حضور در انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی و فعال بودن و مسئولیت‌پذیری در آن‌ها، می‌تواند حضور هر چه فعال‌تر زنان را موجب شود. ولی میزان کم مشارکت‌کننده‌ها رابطه معناداری را نشان نداد.

نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق صالحی (۲۰۰۱) در مورد افزایش مشارکت اجتماعی هم‌سو نبود، ولی از نظر تأخیر در ازدواج با تحقیق کاری (۱۳۸۳) هم‌سو بود. هم‌چنین در مورد کاهش باروری با تحقیق مهریار و آقاجانیان (۲۰۰۲) هم‌سو نبود در حالی که از نظر خودباروری و توانایی تصمیم‌گیری و آگاهی از حقوق مدنی با تحقیق یونسکو و از حیث کسب منزلت و موقعیت‌های بهتر با تحقیق ودادهیر (۱۳۸۰) هم‌سو بود.

این تحقیق هم‌چنین نشان داد اثرات تحصیلات عالی زنان در حوزه‌های فردی - خانوادگی مشهود، ولی در سطح اجتماعی نامشهود است. دلیل آن می‌تواند ساختارهای اجتماعی موجود باشد که شرایط مناسبی برای رشد زنان در آن نیست.

در کل به نظر می‌رسد با توجه به این که پدیده افزایش قبولی دختران در دانشگاه‌ها همانند تمام پدیده‌های اجتماعی دیگر، یک پدیدهٔ دولبه است که هم می‌تواند فرصت قلمداد شود و هم در برخی جنبه‌ها تهدید به شمار آید، لذا برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری جامع در این مورد بسیار ضروری و حیاتی است. برنامه‌ریزی جامع در این زمینه باید تمام جوانب این پدیده را در نظر بگیرد و سعی بر آن داشته باشد که نقاط ضعف (تهدیدها) را از بین برده یا کاهش داده و نقاط قوت (فرصت‌ها) را تقویت کند.

گفتنی است برخورد یک‌جانبه‌نگر با این مسئله، مثلاً محدود کردن ظرفیت پذیرش دختران در دانشگاه نیز می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری داشته باشد. لذا، لزوم توجه همه‌جانبه به این مسئله، بسیار ضروری است.

منابع

بودون، ریموند (۱۳۸۳) *منطق کنش اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات توتیا.

توسلی، غلام عباس (۱۳۶۹) *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات سمت.
دفتر برنامه‌ریزی و مطالعات فرهنگی و اجتماعی (۱۳۸۱) *بررسی و تحلیل افزایش سهم زنان در آموزش عالی*، تهران: دفتر برنامه‌ریزی و مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

روشه، گی (۱۳۷۰) *کنش اجتماعی*، ترجمه هما زنجانی‌زاده، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۸) *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: انتشارات سروش.
مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) *شبکه اطلاع‌رسانی*، تهران: مرکز آمار ایران.
علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹) *بررسی الگوهای مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها*. جلد ۱، تهران: انتشارات سازمان شهرداری کشور.

کاری، فیروزه (۱۳۸۳) *تأثیر تحصیلات و اشتغال بر تأخیر سن ازدواج*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا.

لیتل، دانیل (۱۳۷۳) *تبیین در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: انتشارات صراط.

ودادهیر، ابوعلی (۱۳۸۰) *تحلیلی بر پدیده مدرک‌گرایی در جامعه*، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران: ویژه‌نامه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران، سال سوم: ۱۷۹-۱۹۲.

3 D U D V K D U 6 3 0 R Y L Q J C H D R G W K
Women's Education, Child Immunization and the Importance of
& R Q W H [W L Q Social Science & Medicine, 61: 989
1000.

Mehryar, A. H.; A. Aghajanian and M. Tabibia (2002) Womens
Education, Labor Force Participation and Fertility Decline in
Iran.

Salehi, E. (2001) A Study of Higher Education in Iran with
Particular Reference to Women Participation, Ph.D. Thesis
University of Bath

Willson J. (1997) 'Who Cares? Toward an Integrated Theory of
Volunteer Work', A.S.R Vol, 62: 694-713.